

### مزدوران PKK در میان مردم کردستان جائی ندارند

نیز یکی است، توجیه سرکوب و کشتار مردم در صورتیکه مردم در اعتراض به جمهوری اسلامی به خیابان بیابند رهبری پ.ک.ک هم که علیه مردم مبارز و آزادیخواه کردستان ایران کمر خدمت جمهوری اسلامی را بسته است، دارد ادای ارباب خود در میاورد.

در اسفند ماه سال ۷۷ یکبار مردم در شهرهای کردستان ایران دستگیری عبدالله اوجالان را بهانه کردند تا تنفر و انزجار

نداده است. ما مردم کردستان را آگاه می کنیم چنانچه هر فردی یا حزبی چنین دستوری بدهد به منظور برهم زدن وضعیت و دشمنی با جمهوری اسلامی است.

متن این اطلاعیه را با اطلاعیه هائی که مزدوران جمهوری اسلامی برای منع کردن مردم از برگزاری تظاهرات و یا انجام مراسمهای نوروزی و غیره صادر میکنند مقایسه کنید می بینید شبیه هم اند و خاصیت آنها



حسین مرادیگی (حما سور)

برگزار نمایند، خلق کرد در شرق کردستان (منظور کردستان ایران است) به هیچ روی نباید چنین کاری بکنند، چرا که حزب ما دستور چنین کاری را

در اواخر بهمن ماه سال ۷۹ شورای رهبری پ.ک.ک در اطلاعیه ای که از تلویزیون میدیا، بنگاهی که از طرف پ.ک.ک حمایت مالی میشود، پخش گردیده است، مردم کردستان ایران را از برگزاری تظاهرات به مناسبت سالروز دستگیری عبدالله اوجالان چنین منع میکند:

".. احتمالاً هر فرد یا حزبی در این بخش از کردستان به نام حزب دستور بدهد تظاهراتی

ایسکرا می پرسد

صفحه ۲

علیه مرد سالاری

و زن ستیزی

صفحه ۴

باید جلو سنگسار مریم ایوبی را گرفت!

صفحه ۴

### ده سال سکوت کافی نیست؟

مورد علل جدایی ده سال قبل می فرمایند "بجای تحلیل سیاسی واقعی و اجتماعی، در حزب، تمام مشکلات و گپیروگرفتتها را در ایدئولوژی انسان ها خلاصه کردند، "خود محوربین هستند منافع خود را در نظر دارند". اسناد و مدارک داخلی حزب را بدون اطلاع ما انتشار دادند."، "اسم شان کمونیسم کارگری است اما ربطی به کارگر و کمونیسم ندارند." مشخص نیست که باید این بحثها و شانناژها را به حساب

مناسباتشان با احزاب چپ ایرانی یکبار دیگر به تبلیغات هیستریک و غیر سیاسی و شانناژ بر علیه حزب کمونیست کارگری پرداخت. این رادیو بدون اینکه خود را ملزم بداند برای شنودگانش کوچک ترین دلیلی بیاورد به تکرار ادعاهای ناروا و اراجیفی که این روزها به طرف ما پرت می شود متوسل شد و گفت که حزب کمونیست کارگری در "حرف زدن هیچی کم ندارند ولی هیچی از عمل شان علوم نیست" در ادامه در



صالح سرداری

اخیرا رادیوی "صدای انقلاب" (رادیو سازمان کردستان حزب کمونیست ایران - کومه له) در برنامه "ما و شنودگان" به بهانه سوال شنونده ای در مورد

### رادیو انترناسیونال (بخش کردی)

روزهای پنجشنبه هر هفته از ساعت ۶ و نیم تا ۷ و نیم بعدازظهر به وقت تهران موج کوتاه ردیف ۳۱ متر برابر با ۹۹۶۰ کیلوهرتز.

رهبری رسمی کومهله بنویسیم، یا نه. آیا کسی نیست که به نویسنده این برنامه رادیو بگوید این نوع تبلیغات دورانش بسر

صفحه ۳

### به یاد رزمندگان کمونیست گردان شوآن



نسان نودینیان

shadi84281@aol.com

باد.

طنز تاریخ! یک دروغ بزرگ!

در گرامیداشت رزمندگان

۱۳سال قبل در یکی از تاریکترین لحظات سیاسی در جنگ ۸ساله ایران و عراق در تاریخ ۱۷ و ۱۸مارس ۱۹۸۸ در شهر حلبچه کردستان عراق، واقعه ای تکان دهنده و غم انگیز و یک تراژدی انسانی اتفاق افتاد. زندگی بیش از ۵ هزار نفر از مردم و روستاهای اطراف حلبچه در اثر بمباران شیمیایی رژیم جنایتکار و فاشیستی بعث عراق در لحظات کوتاهی به پایان رسید و همزمان با بمباران شیمیایی، ارتش و سپاه پاسداران

رژیم کثیف اسلامی ایران به این مناطق حمله کردند. بیش از ۷۰ نفر از رفقای کمونیست و رزمنده سازمان کردستان حزب کمونیست ایران - کومهله در حالیکه میخواستند از مناطق پایگاهی و مقرها، خود را به مناطق امنتری دور از بمباران شیمیایی برسانند، آماج حملات وحشیانه نیروهای رژیم و زیر آتش سلاح سنگین و سبک قرار گرفتند و جان باختند. یادشان با ادامه آرزوهای سوسیالیستی این عزیزان گرامی

کمونیست سازمان کردستان حزب کمونیست ایران، جماعت انشعابی از کومهله، بر سر مزار این عزیزان تجمع کردند و جناب مهتدی سخنرانی کرد. تجمع این جماعت و سخنرانی مهتدی پشیمان از گذشته خویش و ناسیونالیست متنفر از کمونیسم بر مزار جان باختگان کمونیست سازمان کردستان حزب کمونیست ایران - کومهله یک طنز تاریخ است.

از طرف مهتدی و سازمانش تاریخ سازمان کردستان حزب کمونیست ایران - کومهله به مصاف نادمان سیاسی طلبیده

صفحه ۳

### طول موج جدید

رادیو انترناسیونال هر شب ۹ تا ۹ و ۴۵ دقیقه

بوقت تهران

۲۵ متر برابر با

۱۱۶۳۵ کیلوهرتز

تلفن:

۰۰۴۴ ۷۸۱ ۴۶۱ ۱۰۹۹

مرکز اطلاعات و پیامگیر

۰۰۴۴ ۲۰۸ ۹۶۲ ۲۷۰۷

### ایسکرا

سردبیر: ایرج فرزاد

iraj\_farzad@yahoo.com

تلفن: ۰۰۴۶۷۰۳۶۸۸۵۱۱

فکس: 00448701687574

آدرس:

K.F.K.S

Box 15203

104 65 Stockholm

پست گيرو: ۲-۱۶۷۸۴۷۱

## آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## ایسکرا می پرسد؟

### تجاری چند از مراسم نوروز در مریوان



مجید حسینی

#### ایسکرا:

ممکن است بطور فشرده اشاره‌ای به سیر برگزاری مراسم نوروز امسال در مریوان داشته باشید؟

**مجید حسینی** مراسم نوروزی خوب و ویژه ای امسال در مریوان بر گزار گردید. جالب بود چون از دو طرف تلاش گسترده ای برای دخالت در آن در جریان بود. در یک طرف جمهوری اسلامی با نیروهای ویژه ضد شورش، فرماندار و شهردار، شورای اسلامی شهر و دیگر ناسیونالیستهای دو خردادی آن قرار داشتند و در طرف مقابل مردم شهر، انسانهای رادیکال و کمونیست. از پیش بحث و جدل گرمی در نقد مراسم اسلامی و ناسیونالیستی سال گذشته، در محافل مختلف سیاسی شهر در گرفت. تصمیم بر این بود

که مراسم دولتی را تحریم و مردم جشن مستقل خود را بگیرند. مردم خاطره تلخ همکاری ناسیونالیستها با رژیم را در سال قبل هنوز در ذهن داشتند و مصمم به پیش بردن برنامه خود بودند. اطلاعات و فرماندار جلسه گرفتند، شورای اسلامی شهر و شهردار نتیجه جلسه خود را به نزد فرماندار بردند، قرارشان بر این شد جشن نگیرند و هر مراسمی را ممنوع کنند. اینها بو برده بودند که کمونیستها و جوانان انقلابی فضا را بدست دارند. از طرف دیگر ناسیونالیستهای توده ای و اکثریتی از ترس حرکت اعتراضی مردم به تقلا افتادند، باز هم به رژیم پناه بردند، یک روز قبل از نوروز به نزد فرماندار شتافتند و پیشنهاد کردند مجوز پر گذاری جشن نوروز را به آنها بدهد. فرماندار تضمین

خواست که ماحرابی پیش نیاید. ولی مردم انقلابی شهر کار خود را کرده بودند و تکرار مراسم شبیه سال پیش برایشان غیر ممکن بود. رژیم نیروهای ویژه ضد شورش خود را در تمام شهر مستقر کرد، شهر حالت نظامی به خود گرفت، ناسیونالیستهای دو خردادی شایعه راه انداختند که کمونیستها می خواهند در جشن خشونت طلبی کنند. با وجود اینها حدود ۱۵ هزار نفر در میدان نوروز شهر جمع شده رقص و شادی خود را کردند، بعد مردم در پشت بامها، کوچه ها، چهار راه و در حیابانها نیروهای ویژه رژیم را سنگ باران کردند و تعداد بسیار زیادی از آنها را رخی نمودند. جنگ و گریز بین مردم و نیروهای رژیم تا ساعت دو بعد از نصفه شب ادامه داشت. سنگ باران کردن مزدوران رژیم از طرف مردم حرکت جدید و رو در رویی آشکاری بود که تا کنون در این شکل و ابعاد در کردستان سابقه نداشته. حضور فعال تعداد دیگری از جوانان نقاب به سز پدیده جدید دیگر در حرکت جوانان در مریوان بود. این تعداد در تنبیه کردن عوامل رژیم تا دخالت در هدایت حرکت اعتراضی مردم نقش بر جسته داشته اند. شعارهایی که در طول این حرکت اعتراضی داده می شد: نه روسری و نه

تو سری، زنده باد حزب کمونیست کارگری ایران و مرگ بر خامنه ای و خاتمی بود.

#### ایسکرا:

بنظر شما مهمترین فاکتور در دخالتگری مردم نقش داشت؟

#### مجید حسینی:

این حرکت اعتراضی نوروز بار دیگر نشان داد اگر کمونیستها و انسانهای برابری طلب پا پیش گذارند قادرند در راس مبارزات مردم قرار گیرند، خواستها و شعارهای انسانی و مدرن را در دستور بگذارند. اگر کمونیستها دخالت نمی کردند امکان زیادی داشت که شورای اسلامی شهر و ناسیونالیستها کرد همان داستان سال گذشته را دو باره تکرار نمایند و جشن را به جشن دولتی تبدیل کنند و حرکت اعتراضی مردم را مهار نمایند. سر نوشت هر حرکت و مبارزه ای بستگی کامل دارد به دخالت رهبران رادیکال و پیشرو.

در این ماجرا به هر اندازه که کمونیستها و جوانان انقلابی دخالت کرده اند صف دوست و دشمن مردم آشکار تر شد. نقش و دخالتگری رهبری رادیکال و انقلابی تمام نقشه‌های شورای اسلامی و شهردار و برنامه ریزان دولتی را نقش بر آب کرد و نقشه ناسیونالیستها و نوده ایها را که به فراماتدار پناه برده و با کمک نهادهای رژیم در صد بودند تا اوضاع را تحت کنترل

خود در آورند، برهم زد. این جریان نشان داد که عقب ماندگی و خرافات ناسیونالیستی، در اذهان مردم وزنه‌ای ندارند و فقط نیروها و نهادهای سرکوبگر رژیم‌های ارتجاعی است که با امکانات وسیع مالی و تبلیغاتی، تلاش میکنند سنن کهنه‌پرستانه را بعنوان عقایدی که گویا مردم آزادانه انتخاب کرده‌اند، جار بزنند. چنین پیش‌داوریهای ارتجاعی در غیاب کمونیسم، میتوانند فاجعه‌های انسانی بوجود آورند. تجربه یوگوسلاوی نشان داد که چگونه باند‌های ناسیونالیستی با کمک و تبلیغات وسیع و حمایت دولتهای اروپائی و آمریکائی، شیرازه مدنیت را از هم پاشیدند و مردمی را که سالها در صلح و آرامش زندگی میکردند، بجان یکدیگر انداختند.

در عین حال مراسم امسال نوروز در مریوان نشان داد که گرایش رادیکال و مدرن و کمونیست به شدت در میان مردم قوی است که اگر این ظرفیت، در همه زمینه‌های مبارزه علیه جمهوری اسلامی و در راه برپائی یک دنیای بهتر، تحت هدایت کمونیستها قرار گیرند، تحولات فوق‌العاده بزرگتری را شاهد خواهیم بود. ❀❀❀

## مزدوران PKK...

مردم کردستان ایران رسماً و علناً نشان داد.

رهبری پ.ک.ک با این اطلاعیه علناً پیوستن خود را به صف مزدوران جمهوری اسلامی اعلام میدارد. این رهبری علناً نشان میدهد که زیر سایه عباي ارتجاع اسلامی علیه مردم کردستان ایران موضع گرفته است.

مردم واقعا کاری به کار عبدالله اوچالان ندارند، اگر در سوم اسفندماه هر سال به میدان میایند نه بخاطر عبدالله اوچالان، بلکه بخاطر اعتراض به بیست سال حاکمیت سیاه جمهوری اسلامی و سرکوب و کشتار عزیزان خود توسط حکومت اسلامی در اسفند ماه سال ۷۷ است. اعتراض مردم شهر سنندج در اسفند ماه سال ۷۸ و ۷۹ هم به این خاطر بود نه چیز دیگری. رهبری پ.ک.ک نیز این را میدانند ولی از آن

بهاغه ای تراشیده تا مزدوری خود را به جمهوری اسلامی و ماموران اطلاعاتی آن اثبات کند.

شورای رهبری پ.ک.ک ظاهراً برای مزدوری جمهوری اسلامی توجیه مناسب خود را نیز یافته است. رهبری پ.ک.ک در ادامه اطلاعیه خود اضافه میکند: "برپایه تحلیل حزب ما، جمهوری اسلامی طی چندین سال اخیر برای چاره یابی مسئله کرد همواره پیش قدم بوده و تلاش نموده است...."

مثل اینکه "تحلیل" رهبری پ.ک.ک از وضعیت جمهوری اسلامی نیز مشابه تحلیل مزدوران ناسیونالیست کرد محلی رژیم از جمهوری اسلامی است، کسانی که تا دیروز جزو "پیشمرگان مسلمان کرد" جمهوری اسلامی بودند و در سرکوب و ارعاب مردم کردستان شرکت داشتند و اکنون به یمن

جناحی شدن رژیم، آنها نیز جناحی شده اند. آنها نیز چند سال است تلاش میکنند تا خواستها و مطالبات آزادیخواهانه و برابری طلبانه مردم کردستان که یک گام آن سرنگونی جمهوری اسلامی است به خواستهایی نظیر بازگشائی تکیه "حضرت غوث" و استخدام افراد سنی در پستهای دولتی و غیره تنزل دهند که مدام از طرف جوانان و زنان سکولار و رادیکال و دیگر مردم آزادیخواه کردستان تو دهنی میخورند. مردم کردستان همانقدر برای "تحلیلهای" رهبری پ.ک.ک ارزش قائلند که برای مدح و ثنای مزدوران ناسیونالیست محلی رژیم از جمهوری اسلامی.

ما بسیار بیشتر گفتیم که پ.ک.ک چیزی جز یک سازمان ناسیونالیستی کرد عقب مانده، با سیستم رهبری پاتریارکال، متحجر، چیزی جز یک سازمان

ضد آزادیهای سیاسی، ضد کارگر، ضد زن، ضد کودک نیست و ظرفیت تبدیل شدن به یک سازمان مزدور مسلح در خدمت دولتهای ارتجاعی منطقه، اکنون جمهوری اسلامی، را در تقابل با مبارزه آزادیخواهانه مردم کردستان دارد. اکنون این پیش بینی به حقیقت پیوسته است. مردم کردستان باید پ.ک.ک را افشاء کرده و آن را از میان خود طرد کنند. مردم کردستان باید کاری کنند که سازمان پ.ک.ک و رهبری آن جرات نکنند در انظار عموم ظاهر شوند. بی شک با سرنگونی رژیم اسلامی که مردم برای آن پیکار خود را شروع کرده اند، پایگاه این مرتجعین نیز از میان مردم بکلی برچیده خواهد شد.

\*\*\*

**به یاد رزمندگان...**

جناب مهدی این تاریخ را در پیشگاه دو خرداد و ناسیونالیسم و باندهای جنایتکار اتحادیه میهنی و جلال طالبانی نفرین شده اعلام کرده است. او و جماعتش به افتخارات کمونیستی و دوره‌های سیاسی این سازمان بمثابة یک بخش از حزب کمونیست ایران پشت کرده‌اند. گردان شوان و رزمندگان کمونیستی که در این گردان جان باختند تماما عضو حزب کمونیست ایران بودند، سوسیالیسم و آرمانهای کمونیستی و برنامه حزب

کمونیست ایران جزو آرمانها و آرزوهای شیرین آنها بود، زندگی و کاراکتر سیاسی و اجتماعی این رفقای جان باخته با تاریخ حزب کمونیست ایران و آرمانهای کمونیستی و برنامه این حزب شکل گرفته بود. این جان باختگان مبارزین کمونیستی بودند که که به همین نام در خاطرات مردم ثبت شدند. ایده و سیاست و اهداف سازمان جناب مهدی یا بعبارت دیگر «اتحادیه میهنی در کردستان ایران» دشمنی و ضدیت با آرمانها و اهداف این عزیزان است. آیا بهتر نبود که جناب مهدی

و شرکایش بجای رفتن بر سر مزار این عزیزان در سالگرد بمباران شیمیایی حلبچه به خدمت جلال طالبانی، از دوستان "جدید"ش میرفت! آیا مناسب تر نبود "ماموستا عبدالله" از فتوحات مختلف با آقای طالبانی، از تصرف حلبچه که نیروهایش پیشقراول ستاد نظامی جمهوری اسلامی در ۱۹۸۸ بود، تا فتح مقر و کشتن اعضای حزب کمونیست کارگری ایران و عراق در سال ۲۰۰۰ صحبت میکردند، و به صورت هم نگاهی می‌انداختند؟

حضور مهدی بر سر مزار جانباختگان گردان شوان یک

شارلاتانیسم سیاسی و یک عوامفریبی است که جناب مهدی میخواهد از شهرت سیاسی و اجتماعی عزیزان جان باخته و آن تاریخ استفاده کند. خوشبختانه و از بخت بد جناب مهدی تاریخ معاصر ایران و از جمله تاریخ حزب کمونیست ایران پر است از شاهدان زنده‌ای که از سازندگان و فعالین این تاریخ هستند. برای مهدی جعل تاریخ دیگر به مشکلی اصلی تبدیل شده است. و از قضا ظاهرا ایشان دست بردار هم نیست.

مهدی و سازمان متبوعش از اینها رسواتر هستند که مردم

جالب است تشکیلاتی که طی حاکمیت "دولت نویای کرد" هزاران زن در نزدیکی مقر و اردوگاهشان توسط جانیان اسلامی و باندهای ناموس پرست مرتجع و با تایید احزاب حاکم به قتل رسیدند، حزبی که در مقابل شبکه های ترور و آدم کشی های رژیم اسلامی که با همکاری باند طالبانی صورت می گیرد لام تا کام چیزی نمی گوید، سازمانی که در دفاع از پیشمرگانان که فقط به جرم حفاظت از خود در مقابل یک تروریست جمهوری اسلامی از مقرهایشان توسط اتحادیه میهنی بیرون کشیده شده و ۶ ماه زندانی می گردند، لال است. تشکیلاتی که باید در فعالیت هایش حفظ منفعت اتحادیه میهنی در رابطه با رژیم را در نظر داشته باشد و اجازه فعالیتش را از اتحادیه میهنی بگیرد، تشکیلاتی که بخاطر حفظ مناسبات دیپلماتیک با عراق مجبور است از فعالیت تبلیغاتی کوتاه بیاید. جریانی که علیه حزب دمکرات نه تنها افشاگری و مبارزه سیاسی نمیکند، بلکه با آن بعنوان یکی از دو حزب "انقلابی" در جنبش کردستان همکاری میکنند و به کنگره اش پیام تبریک میفرستند. کسانی که در مقابل قلدری دارودسته مهدی به جای نقد جایگاه سیاسی شان به جنبه های حقوقی مسئله می چسبند. سازمانی که در رابطه با نقش سیاه مذهب در زندگی مردم بین "مذهب زحمتکشان" و "مذهب طبقات دیگر" فرق قائل

می شود و در یک کلام آنطوریکه خودشان می گویند مجبورند "واقع بین" باشند و بخاطر "مصلحت کومهله" و "حفظ مقر و اردوگاهشان" رعایت حال همه را بکنند. جالب است چنین سازمانی ما را به منفعت طلبی گروهی متهم می کند! در ادامه می گویند که گیروگرفتها و مشکلات حزب کمونیست آن دوره را کمونیسم کارگری در ایدئولوژی انسانها خلاصه کرده است. این ادعا به اندازه سطر به سطر کتابهای "تفاوتهای ما" و "دورنمای فعالیت حزب در کردستان" و "بحران خلیج" و اسناد دیگری که هنوز بعضی از آنها منتشر نشده اند، دروغ است. اگر اینها کتاب ها و نشریات آن دوران را سوزانده و کسی در مقرها و اردوگاهشان به آنها دسترسی ندارد، اما این کتابها در همه جا موجودند و هرکسی می تواند به آنها دسترسی داشته باشد و خیلی ها این اسناد را مطالعه کرده و می دانند که این نوع تبلیغات چه اندازه نازل و سطحی اند. اسنادی که اینها ادعا می کردند مشکل امنیتی برایشان پیش خواهد آورد، و دیدیم که بهانه ای بیش نبود، مربوط به جنبشی است که مهمترین مسائل مبارزاتی، بحث ها و جدل های گرایشات مختلف در حزب کمونیست ایران را منعکس می کند و میبایست در دسترس عموم قرار می گرفت. هر بحث و نظر و دیدگاه سیاسی مادام ربطی به جامعه داشته باشند

**ده سال سکوت...**

آمده و ده سال تبلیغات هیستریک علیه حزب کمونیست کارگری خیری ندیدند؟ مادام این ترهات رسما مورد نقد این سازمان قرار نگیرد، باید به حساب موضع رسمی آنها گذاشت و لازم است به آن پرداخت.

سازمانی که ده سال است در مقابل احزاب و جریانات ارتجاعی و سنت های پوسیده ناسیونالیسم کرد، کشتار زنان در کردستان عراق، جنایات مذهب در همسایگی مقرهایشان، لال شده است، درمقابل حزب کمونیست کارگری به زبان درازی پرداخته تا هم محافل ناسیونالیستی خارج کشور و احزاب ارتجاعی کرد را مطمئن سازند که هنوز ضدیت خود را با کمونیست ها و حزب کمونیست کارگری حفظ کرده و هم به فشار شانتاژ جماعت ایلخانی زاده - مهدی که آنها را نزدیک به کمونیسم کارگری میدانند جوابی داده باشند. به نظر میرسد ده سال پیش بردن خط عبدالله و ضدیت با کمونیسم کارگری و راست روی کافی نیست.

در مورد فعالیتهای حزب کمونیست کارگری نویسنده برنامه صدای انقلاب یا باید از دنیا بی خبر باشد که نیست یا دارد مغلظه بازی در می آورد وگرنه اینها از سخنرانیهای خامنه ای و رفسنجانی، امامان جماعت و قوه قضائیه رژیم که به مناسبت های مختلف مردم

را از حزب کمونیست کارگری ترسانده اند، خبر دارند. مطالب روزنامه ها و نشریات سران دوی خرداد علیه ما را خوانده اند، از دفاعیات گنجی و سحابی و رئیس دانا در مضحکه دادگاهی شرکت کنندگان کنفرانس برلین آگاهند که چگونه برای تبرئه شدنشان به حزب کمونیست کارگری اتهام می زند و تلاش میکنند رئیس دادگاه را قانع کنند که مخالف حزب کمونیست کارگری بوده و از جمهوری اسلامی در مقابل حزب کمونیست کارگری دفاع کرده اند. اینها خوب می دانند که استاندار کردستان برای کشتن کمونیست ها از "مام جلال" در روزنامه کیهان تشکر کرده و بابت جنایت علیه حزب کمونیست کارگری هدیه برایش فرستاده است.

اینها از کمپین های متعدد حزب برای جلب حمایت اتحادیه ها و سازمان های کارگری در سراسر دنیا از مبارزات کارگران ایران، از جمله کمپین برای دفاع از کارگران نفت خبر دارند. از نقش حزب ما در جلب حمایت و پشتیبانی سدها سازمان و اتحادیه کارگری برای آزادی محمود صالحی و مبارزات خبازان شهرهای سقز و سنندج و بخش های مختلف دیگر کارگری مطعند. اینها از نقش حزب در مبارزات زنان ستم دیده ایران و کسانی که حجاب هایشان را در روز ۸ مارس امسال در سنندج سوزاندند و پرت کردند خبر دارند.

به مانور و فریبکاری آنها باور کنند. طی همین یکسال گذشته انبوهی از ادبیات در مورد ماهیت و سیاست و سازمان متبوع مهدی نوشته شده‌اند، اینها را باید در سر هر بزنگاه و در مقابل هر حرکت عوامفریبانه رسوا کرد. باید آنها را به بستر اصلی‌شان، اردوگاه ناسیونالیسم کرد، به جرگه فرقه‌های روئیده بر متن نفرت پراکنی قومی و ملی ومقرهای جلال طالبانی هدایت کرد.

\*\*\*

سایت انجمن مارکس

www.marxsociety.com

باید در اختیار مردم قرار گیرد. کسی که حقیقت را میگوید نباید هراسی از علنی شدن مباحث سیاسی داشته باشد. اینها با وجود انتشار این اسناد مباحثات طرفین و واقعیات آن دوران را کتمان می کنند. حساب کنید اگر این اسناد انتشار پیدا نمی کردند به چه شانتاژ و اتهامات دیگری دست میزدند. سازمانی که سال هاست به تشکیلاتی بی آزار و رام در منطقه تبدیل شده و در مقابل انواع دولت و حزب و سنت و خرافات سکوت کرده، هیچ شباهتی به کومه له کمونیست و رادیکال، صریح و قاطع و مصمم قدیم ندارد.

اینها نمی توانند به سکوت خود در مقابل اوضاع منطقه، احزاب و جریانات سیاسی کرد، اتفاقات و رویدادهای آنجا به سکوت خود ادامه دهند، چرا که ما مرتب از رهبران کنونی این جریان می پرسیم: بالاخره باید چند هزار زن دیگر به قتل برسند، چند صد نفر دیگر از فعالین اپوزیسیون در کردستان عراق ترور شوند، تا چه مدت دیگری ناسیونالیسم و "مذهب زحمتکشان" قوانین و سنت های پوسیده ارتجاعی زندگی مردم را به سیاهی بکشند، احزاب حاکم در کردستان عراق چه بدبختی ها و سیه روزی های دیگری را بر سر مردم باید بیاورند تا شما سکوت تان را بشکنید.

لطفا جواب دهید آیا ده سال کافی نبود؟

۱۱مارس ۲۰۰۱

**مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!**

## علیه مرد سالاری و زن ستیزی

در کشورهای اسلام زده‌ای نظیر افغانستان، پاکستان و اردن و عراق و در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی سالانه صدها زن تحت نام قتل‌های ناموسی به دست نزدیکانشان به طرز بی رحمانه ای کشته می شوند. ابعاد فاجعه آنچنان تکان دهنده است که بر طبق آمار رسمی دولت پاکستان، بیش از صد زن از ترس جان خویش به زندان‌ها پناه برده اند! تنها در فاصله چهار ماه پیش از ۱۳ زن توسط والدینشان در کشور اردن به شکل فجیعی به قتل رسیدند. در سال گذشته بیش از ۵۰۰ زن توسط حزب الله عراق و مامورین صدام به طرز وحشیانه ای گردن زده شده و سرهای بریده آنان را بر در خانه هایشان آویزان کردند. آنان با این بربریت قرون وسطایی، تحت لوای پاکسازی کشور از زنان تن فروش فضای رعب و وحشت را در میان زنان و دختران تشدید کرده و در تلاش اند تا از این طریق هر گونه صدای آزادیخواهی را در جامعه خفه کنند.

در یک دهه اخیر در کردستان عراق صدها تن به دست بستگان مردشان و یا با دسیسه مرتجعین مذهبی و ناسیونالیست های محلی نظیر اتحادیه میهنی و حزب دمکرات کردستان عراق و دیگر گروههای ناسیونالیست و مذهبی به قتل رسیدند. این اوباشان و جانپان با قرار دادن نام زنان در به اصطلاح "لیست سیاه" شان، بطرز بی شرمانه‌ای به جان و حرمت زنان دست درازی کرده اند. در جمهوری اسلامی هم زن ستیزی، سنگسار و قصاص و کشتن زنان رسماً قانونی شده است و با گسترش فضای ضدیت با زنان، خودکشی زنان و دختران جوان و قتل ناموسی افزایش یافته و در ماههای اخیر اخبار تکان دهنده‌ای در این باره گزارش شده است.

**تقابل دو فرهنگ : مدرنیسم و واپسگرایی**

مردسالاری مشخصه تمامی جوامع طبقاتی تا به امروز است. تبعیض و آپارتاید جنسی زن یکی از بزرگترین معضلات و کشمکش های تاریخی زندگی بشر بوده و هست. در صد سال گذشته، اما، همواره جهان شاهد کشمکش بین فرهنگ مدرن و برابری طلب از یک سو و فرهنگ واپس گرا ازسوی دیگر بوده است. فرهنگ مرتجع و ضد انسانی پیدایش و بقای خود را همواره مدیون مذاهب و در میان آنان اسلام بوده است.

در مقابل واپسگرایی، فرهنگ مدرن، بویژه بعد از دهه ۶۰ به دنبال صنعتی شدن کشورهای خاورمیانه از یک سو و رشد جنبش های برابری طلب و کارگری از سوی دیگر، سر برآورده و تا به امروز همواره در راس مبارزات حق طلبانه قرار گرفته است. این فرهنگ حیات خود را مدیون وجود جنبش برابری طلبانه رادیکال و کمونیستی در سطح بین المللی و حرکت رادیکال و چپ در منطقه می باشد که بسته به توازن قوای طبقاتی خویش توانسته معیار ها و ارزشهای انسانی را به نرمهای جامعه تبدیل کند.

حجاب، سنگسار و کشتار زنان زیر ناموس پرستی، اذیت و آزار جنسی زنان همه و همه صفت مشخصه فرهنگ واپس گرا با پیشینه اسلامی، ناسیونالیستی و قومی است. در این فرهنگ و بویژه از دیدگاه اسلام، زنان مانند بردگانی هستند که حق هیچگونه ابراز وجود ندارند. چنانچه زنی از اجرای این موازین بردگی که طبق مشیت الهی برایش مقدر شده است، سر پیچی کند با تهدید به مرگ روبرو شده و به فجیع ترین شکل ممکن به قتل می رسد.

در کشورهایی چون ایران، سودان، سومالی و افغانستان و دیگر کشورهای اسلام زده و مذهبی ابعاد این فاجعه چنان عظیم است که این اعمال وحشیانه در قوانین جزایی این کشور ها راه یافته است. به نام قانون دختران و زنان در ملا عام سنگسار می شوند. قتل‌های ناموسی فضایی از رعب و وحشت در میان زنان بوجود آورده و مانع رشد مدرنیسم و برابری طلبی در میان آنان می گردد. وحشت از اینکه اگر از دستورات اسلامی و عقب مانده حاکم در جامعه سرپیچی شود، اگر برای نیاز جنسی خود به اراده و خواست خود عمل کنند، فردا نوبت آنهاست که به هزار



هلاله طاهری

و یک شکل مجازات می شوند. قتل‌های ناموسی و بینی و سر بریدن زنانی که از موازین ضد انسانی این فرهنگها سرپیچی میکنند، مبارزات چندین ساله زنان علیه حجاب در ایران و دهن کجی های هر روزه به اسلام و موازین شرعی ضد زن در کشورهای اسلام زده، نشان می دهد که فرهنگ واپس گرا و در راس آن اسلام در مقابل جنبش برابری طلبانه مردم، به تنگ آمده است. دست و پا زندهای وحشیانه شان برای نجات اسلام آنها را نه تنها قوی نمی کند، نه تنها مایه وحشت مردم نمی گردد، بلکه انگیزه و تمایل به مبارزه بر علیه آنان را چند برابر می کند. جنبش برابری طلبی را به در خانه های مردم می کشاند و راه رسیدن به سعادت بشر و رهایی انسان را به واقعیتی ممکن بدل می سازد. ۸ مارس امسال در شهرهای ایران و مراسمها و جشن و سرورهای چهارشنبه سوری و نوروز امسال در ایران که آشکارا همه قوانین اسلامی و حجاب اسلامی زیر پاینهاده شد و عملاً زنان و مردان آزادیخواه جمهوری اسلامی را به مصاف طلبیدند، طلایه‌ای از گسترش این جنبش آزادیخواهانه بود. طبیعی است با ادامه چنان جنبش رادیکالی جلو اعمال ضد انسانی این جانپان جهل و خرافه گرفته شود و آنها را یک بار برای همیشه از صفحه تاریخ پاک کرد. باید فرهنگ مدرن را جایگزین اوهام و خرافات کرده، علیه ابزار سرکوب مذهب برای رهایی بشر و برابری کامل زن و مرد دامنه مبارزه را گسترده تر کرد.

به جای قربانی کردن انسان ها، باید فرهنگهای مذهبی و پوسیده و ضد انسانی و حاکمیت‌های مدافع آنها را از ریشه کند و به زیالهدان ریخت!

سایت انترناسیونال هفتگی

www.haftegi.com

## باید جلو سنگسار

### مریم ایوبی را گرفت!

مریم ایوبی مادر سه فرزند و ۳۲ ساله در زندان جمهوری اسلامی در انتظار اجرای حکم سنگسار است. وقتی تأیید حکم سنگسار او توسط دیوانعالی کشور به او ابلاغ شد، دچار بیهوشی گردید. همین امروز و در همین لحظات نیز در سیاهچالهای رژیم مرتجع اسلامی چندین زن شب را با وحشت از اجرای حکم سنگسار به روز می‌رسانند. مریم ایوبی یکی از این قربانیان است.

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران و کمپین دفاع از حقوق زنان برای جلوگیری از اجرای این حکم، کمپینی را سازمان داده اند. تماس با سازمانهای مدافع حقوق انسان و حقوق زنان در سراسر جهان و درخواست از آنها به اعتراض علیه حکومت اسلامی با عکس العمل وسیعی روبرو شده است. تا

**مرگ بر جمهوری اسلامی**  
**تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران**  
۲۹ مارس ۲۰۰۱

## چند خبر کوتاه

**کرمانشاه**  
چند روز قبل یک مرد بیکار از شدت فقر دو خواهر خود را زیر ماشین گرفت و هردو کشته شدند.

**کامیاران:**  
بلافاصله این مرد بعد از کشتن دو خواهرش با چاقو خودکشی کرد. این مرد بعد از مدت‌ها بیکاری و نبود درآمد نمیتواند خرج تحصیل دو خواهرش را تامین کند. هردو خواهر تصمیم میگیرند که ترک تحصیل کنند و به دنبال شغل بگردند. برادرشان که تا آن موقع مخارجشان را تامین میکرده است از شدت فقر ناراحتی به عمر هر سه نفرشان خاتمه میدهد.

**کرمانشاه:**  
یک درجه دار ارتش از شدت فقر و فشار زندگی خودسوزی کرد و بعد از مدتی در بیمارستان درگذشت.

**روانسر:**  
در جریان چهارشنبه سوری و تجمع مردم نیروهای انتظامی با

### کمیته کردستان

رحمان حسین زاده، دبیر کمیته ۰۰۴۶ ۷۳۹ ۸۵۵ ۸۳۷  
Email: r\_hoseinzadeh@yahoo.com  
Fax: 0044 870 133 7209

## دست مذهب از زندگی مردم کوتاه!